



شهر وند



# قمران و نامزدش

## فاجعه بزرگراه چمران

درا امتداد کمپین «نه به تصادف»

### بگذارید واقع بین باشیم

بازماندگان مقتولان سوانح ترندگی، درست است که هر یک یک پیکار، خلا حراهای منی بر ساخت ساختمان مسجد دانشگاه آزاد اسلامی در حریم درجه ۲ مجموعه جهانی تخت جمشید به گوش می رسد.

این امر در حالی است که بر اساس ضوابط حریم درجه ۲ طرح جامع توسعه در بعد محلی، منتقلی و ملی در مرحله اماکن سنجی، مکان یابی، مطالعه و اجراء انبازمند کسب مجوز و نظارت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است و در محدوده حریم درجه ۲ ساختمان سوزان تنها در محدوده طرح های راهی، روستایی و همچنین احداث ساختمان های با کارایی خدمات عمومی که ضرورت ساخت آنها مورد تأیید میراث سازمان فرهنگی است، حاکم در وظیفه و باز عیان تمام شده ۸۵ متر مسطح زمین مجاز اعلام کرد که در ساخت مسجد دانشگاه آزاد اسلامی مرشد متأسفانه به رغم این که از زمان شروع عملیات اجرایی و حتی پیش از آن آگاهی و هشدارهای مناسبی به صورت مجزبه در حریم حریم موجود اثر جهانی تخت جمشید و رعایت این موضوع از طریق فرم های یگان حفاظت و مسئولان مربوطه

همین امروز که به بهشت زهرا بر روی یک صفحه می بینید هفته دیگر، محتای دیگر عجب است، گروهای عالی عزرائشان را می بینید، لمس می کردندشان و لاقول به همین بودند چه آن یک یک جماعت، تریح با عین دیده می بینند چه آن یک یک دیوله اما پینا از خوب تر است. می آورد تا یک تا یک دیوله اما پینا می شود که همین را هم تپان می آورد.

سنت می کند و نیمه شب، یک بی را بل که قصد یابی دیگر گزی می کند، آن هم هیولاوارا پس از کوی راه قصد گیشا غرقه کیلومتر شمار خودرو گرفتار میشد زابوهای ۱۸۰ درجه می سازد، خودرو ۲ چون از چندبار می بیند و می بیند نشان به دیوار بل یادگار کیسه های هوا می فاقه نمی کنند و مرگ هر چه سود است و می بلعد امگر در میسان بلایخ می دهد و بلایخ را مدتی خود تپ می شوند بل هم مارا به مقصد می رساند می کشد ۲ چون به مقصد نمی رسند و چون سوهاوارا زوهاره ای فاقه که با سرهای شکرته و خون او در خاک می روند.

مردن و زن جوان که می شنوند و از تانده جنون برای مدتی کوتاه بلزالت می شود بیوه دارد و اما بیول احتمالاً قدر خربان جان چند امذلقین، این مستوشته اسلن، بلای دیگر گزاهای بر شمارش را سه رخ می کنند و بسری محرومها و مظلوما هستند، اما می کنند اما چه سود، تاریخ را هنوزم فاقان - خوابونیند کیسه های می بوئند و همین طور



مسعود رفیعی طالقانی  
دبیر گروه طرح نو  
Mass.rafei@gmail.com

مهم ترین مسیری زندگی من می شود. این توان بیشتر زهرا یا جاده های که به پیششاهی دیگر می رسد. مسیری بازمندگان کشتار می گویم، کشتار آدمها به دست خود روزه عجب هدیه ای داد به بشر، انقلاب صنعتی و مدرنیسم - آهن های روی را روزه خیابان کرد که ولع بی پاناشان، جز خون اسلانی های بیشتر و بیشتر چیزی نمی شناسد.

بازماندگان چه کسانی اند؟ همان هایی که هیچ کس غیر از خودشان درک نمی تواند کند که چه چیزی در یک چشم بر هم زدن رخ می دهد.

وقتی که می روند در امتداد تلوی بی پشت... هیچ خیال خوشی در نشان را آنکده می کنند از پشت موعود خبری نیستند در پشتشاهی حاشیه کلانشهرها، خبری از جور و پوی و بیانات مشجر نیست در عوض به جایش تاج مشکی که کند قلعه در دفع و شمار است که پشت سر هر و بی عقبه بر شده اند، می گویند باید از جهان بروج راه حست به پشتشاهی که در خود شوخ درایم زنی اثر از دود و آهن و خاکستر و پارتیز و دوع مدفون می شویم، چکار ما می آید به پشتشاهی؟

**امروز با مولانا**

عشق های کز پی رنگی بود  
عشق آن زنده گزین کو باقی است

عشق نبود عاقبت ننگی بود  
کز شراب جانفزایت ساقی است

### یک خبر یک نگاه

#### حضور دانشگاه آزاد در حریم تخت جمشید

به مدبران و مسئولان دانشگاه آزاد داده شده است ارتفاع مناظرها و کتید از حد قانونی تجاوز کرده است. همچنین پیشنهاد ارائه شده از سوی مسئولان دانشگاه مبتی بر کاهش ارتفاع مناره و کتیداز چند چند عملی نیست. این بیانها که با توجه به نقشه ارائه شده ارتفاع کتید این مسجد در حال ساخت ۱۵ متر و ارتفاع مناره آن ۲۳ متر است و این در حالی است که سقف مسجد نیز در حال حاضر ۲۰ سانتی متر بیشتر از حد مجاز (۸/۵ متر) است. بنابراین ضوابط بین المللی حریم، اجازه ساختن سازه ها با این ارتفاع را نمی دهد و از آن جا که مجموعه جهانی تخت جمشید به دلیل از داشتن فهرست یونسکو ملزم به تبعیت از قوانین بین المللی است همه کارها متخلف است. اما این اقدام به دلیل عدم تاسس مناره و کتید از نظر معماری اسلامی در نهایت منجر به شکل گیری بناهایی می شود. با وجود تمام این مشکلات اساء، ورود به حریم آثار باستانی و ملی گویا به امری عادی بدل شده است. امری که از کارخانه رب گوجه فرنگی تا دانشگاه آزاد به این امرت می روزند. گویا کسی هم جلداران نیستند.

### برش

#### دزدی و دزد زدی

مدتی بود از خود می پرسید منظور از بهترین کتاب چیست؟ بهترین قطعه یعنی چه قطعه ای؟ کتابی که بیشتر آن را خوانده ایم؟ کتابی که بیشتر به سراغش می رویم؟ کتابی که بیشتر ما را جرحان سارگار است؟ یا کتابی که بیشتر طرقات دارد؟

با چندبار خواندن مخلص به سرتوسط به قطعه زندگانی اثر اسحاق کرم قصد کتابی است که بیشتر به مزاج خود سارگار است. به همین دلیل اقدام نمی کردم چون آنچه به بدان علاقه مند حنی به خود می خورد، چنی به خود برسد دیگران امان از آن جا که قطعه زندگانی اثر کس متعلق به خود نیست دل ما را به دریا براری شامی نویسنده.

دیگر نه از زبونی دارم و نه کینه ای آنچه در من انسائی بود از دست دادم گذاشتم گی ششود. در زندگانی آدم باید با فرشته شود یا با سل با حیوان



زنده بکور  
اصداق هدایت

### بی مناسبت

#### همه ما، منائر از روابط انسانی هستیم

فردی را با تجربه می دانیم به صورت غیر مستقیم بر نقد پذیر بودن او صحه گذاشته ایم. چرا که تجربه، جدای از نقد و نقد پذیر امکان پذیر نیست. تمام قدم های که هر کدام ما در طول درو های مختلف زندگی برداشته ایم مورث نقد و قضاوت دیگران قرار گرفته اند. اگر در مواجهه با این ماجرا، پیامیزویم و تجربه کنیم، برای آزادی ما بعدی در برداشت درستتی از این اتفاق وجود ندارد. هر و روی واقع موضوع این است که نقد از صورت و ششاخت به وجود می آید. زمانی که نسبت به موضوعی منتقد باشیم یا خودمان مورد نقد قرار می گیریم، بی تردید نوعی شناخت هستیم. تا زمانی که این شناخت به وجود نیاید، درباره موضوعی مثل نقد کردن، موضع می گیریم، بر این بین نکته حایل واقعیتی وجود دارد که شناخت به برداشتن به نقد اصولی، باید آن را در مورد خود قرار دهیم. ما باید از نقد مکتبیکی بریزیم کنیم. در کتاب های که مورد نقد و پژوهش نوشته ام درباره واکنش مقدم بر نقد صحبت کرده ام. این دیدگاه متعلق به قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی است اما بنظر می رسد جامعه کنونی ما مشیت نیازند آن است. پیش از وارد شدن به نقد اصولی (کا مکتبیکی نیازند رسیدن به نگاهی هستیم که با عنوان «واکنش مقدمه نقد» معنا می یابد. پیش از این که موقلهای متخلفان را در نگاهیمان کنیم باید به احساس خودمان نسبت به پدیده ای که بیان آن مواجه هستیم، نسبت داشته باشیم. به عنوان مثال، اگر قرار است دست به نقد یک داستان نریم باید عناصر تشکیل دهنده داستان را به خوبی بشناسیم. باید تا شخصیت پردازی و زاویه دید را بشناسیم. تازه آن موقع می توانیم ادعا کنیم گام های اولیه مورد نیاز برای نقد را برداشته ایم. مسافنه برخی از تفکهای ارائه شده بدون شناخت چارچوبی که به آن اشاره کرده بودیم می آیند. در برخی از مواقع همه آدمی که خود یا آثارش مورد نقد قرار می گیرد، در مواجهه با این قضا، موضع گیری های تندی از خود نشان می دهد. همیشه به صراحت گفته ام خودم و آثارم از نقد برآمده اند. بنظر من این بهترین شکل کار است که در یک پرسوسه طولانی، همسرا با تجربه به دست می آید. وقتی



جمشید خایانی  
داستان نویسن

### امروز به چی فکر می کنی؟

#### شهری شلوغ که آرامش دارد

این شهر پر سروصدایم از آن زمانی است که هیچ جا تا این حد از آسایش ندارد. می دلم که ششهر من یگی از شلوغ ترین شهرهای خلیات است. با این وجود همین شهر راحت تر من و تین مکانی است که زندگی در آن به من آرامشی می دهد. می دهم که این شهر پر از دود است و پر از عیاران خسته اما... اما... من با تمام تفاه از این شهر پر دلم اما با پیر شدن آنها بود که من به جویی رسیدم. من در این شهر به همه جا رسدم. هیچ کدام از مشکلات این شهر مانع پیشرفت من در مسیری که برای زندگیم برگزیده بودم، نشد. شنیدم که این مشکلات در تیرچه من در دل معین شهر بزرگ می شود و همین مشکلات با تمام وجودش حس می کنم. اما من در همین شهر پر سروصدایم جایگاهی که امروز دارم، رسیدم. من در تهران قدم قدم از نیکخواهی هم می روم وقتی که همست آورد هم از همین جا دارم. اگر باز یک تیمی بسکتبال کمور هستم، به خاطر تهران است، به خاطر شهری که در آن متولد شدم. با این وجود من هم در این شهر درهای زندگی کشیده ام. در هم عزالت های دارم که تا زمانم در ختم خواهند شد. مسائل امروز تهران برای همه کسانی که در آن زندگی می کنند وجود دارد. تهران شلوغ است و پر تر از یک اما قلمبندان اعلام می کند، هیچ جایی دنیا به اندازه



صمد نیکخواهی  
بسیکالیست



### شات

#### حضور یزگان در مناطق محروم خوزستان



مختلفی که از ایین منینت پیروی می کنند، دارای مختصاتی خاص است. بنابراین نمی شود مختصات جامعه آمریکا را برای جامعه ایرانی، مختصات جامعه ایرانی را برای جامعه آمریکا تجویز کرد. شناخت این جامع و مناسبات انسانی جامعه امروز ما، برای حضور در فضای فرهنگی جایز اهمیت است. دقت کردن به این گونه روابط شهروندی جامعه شناسانه و روشناسانه است. به همین خاطر است که معتقدم هر کدام از کسانی که قلم به دست می گیرند خواسته یا ناخواسته در حال پرداختن به این مسائل هستند. همه ما نویسندگان ستار از روابط انسانی موجود در جامعه هستیم.